فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc449035354)

[شبهه تقریر اول 2](#_Toc449035355)

[تقریر دوم اطلاق 2](#_Toc449035356)

[جواب تقریر دوم 3](#_Toc449035357)

[احتمالات وضع جمله شرطیه 4](#_Toc449035358)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه / مفاهیم - مفهوم شرط

# اشاره

عرض کردیم در اثبات مفهوم برای جمله شرطیه سه مسیر را می‌شود طی کرد، یک مسلک؛ مسلک وضع بود، مسلک دوم؛ مسلک انصراف بود و مسلک سوم؛ اطلاق بود، در اطلاق گفتیم: تقریبات و تقریرات متعددی وجود دارد که یک تقریر را عرض کردیم و مواجه با دو اشکال بود که اشکالات و جواب‌ها ملاحظه شد.

تقریر دوم که درواقع ادامه تقریر اول است یعنی برای حل یک شبهه تقریر دوم را می‌آوریم.

## شبهه تقریر اول

شبهه‌ای که در تقریر اول بود این بود که: این بحث ما را با نفسی و غیری مقایسه نکنید، اطلاق درجایی هست که اقسام و احوال، احوال یک مقسم باشد و الا چیزهایی از اطوار و احوال این مقسم و موضوع نباشد، مشمول اطلاق نیست، در اینجا گفته‌شده که در واجب نفسی و غیری در مثال این وضوء واجب است، دو گونه می‌تواند وجوب داشته باشد، گاهی یَجَبُ لنفسه و گاهی یَجَبُ لغیره، بعد اینجا می‌توان اطلاق جاری کنیم، اطلاق هم اقتضاء می‌کند وجوب نفسی باشد، اما در جمله شرطیه این‌طور هست که در مثال: خَفِیَ الاذان، علّت موضوع قَصِّر هست.

امّا انحصار و عدم انحصار درواقع از احوال این موضوع نیست، انحصار و عدم انحصار معنایش این است که: علّت دیگری هم، آیا وجود دارد یا ندارد؟ بودن یا نبودن علّت دیگر و مؤثر بودن دیگری در وجوب تقصیر، اوضاع را در مثل مثال اذا خَفیَ الاذان را تغییر نمی‌دهد، پس درنتیجه، بودن یا نبودن وجوب برای نماز اثر می‌گذارد در نوع وجوب وضوء، امّا بودن یا نبودن یک عامل دیگر، در کنار این عامل در هویت این عامل هیچ تأثیری نمی‌گذارد.

## تقریر دوم اطلاق

اگر پیش‌فرض را از شما بپذیریم که بودن یا نبودن یک عامل دوم، در عملکرد عامل اوّل مطلقاً نقشی ندارد، در این صورت اینجا اطلاق جاری نمی‌شود و انحصار و عدم انحصار اینجا اثری ندارد، اما ما می‌گوییم این‌طور نیست، اگر قدری دقّت بکنید، آن عامل خَفِیَ الجدران در وجوب قصر نماز نیز اثر دارد، برای اینکه در خفی الاذان کنارش یک خفی الجدران هم دارد، خفی الاذان را یقین داریم که عامل برای وجوب قصر نماز است، دیگری خَفِیَ الجدران هست که این عامل برای قصر نماز مشکوک است، ما می‌گوییم این دو عامل از هم جدا نیستند، برای اینکه این خفای اذان در مقایسه با خفای جدران سه حالت دارد:

حالت اول این است که: اوّل اذان مخفی می‌شود بعد یک مقدار مسیر را طی می‌کند تا اینکه دیوار هم دیده نشود، در اینجا عامل برای وجوب تقصیر؛ آنجایی که خفای اذان اول باشد، عامل خفای اذان تا وقتی‌که خفای جدران نشده، وقتی‌که خفای جدران اضافه شد، اگر فقط خفی الاذان باشد، عامل مؤثر در وجوب تقصیر فقط خفی الاذان است، امّا وقتی‌که هر دو مصداق پیدا کرد، دیگر این خفی الاذان به‌تنهایی مؤثر در وجوب تقصیر نماز نیست.

حالت دوم این است که: اگر خفی الاذان بعد از خفی الجدران باشد، در اینجا اگر خفای جدران به‌تنهایی عامل باشد به‌تنهایی مؤثر در وجوب قصر نماز است و اگر به‌تنهایی مؤثر نباشد، بعد اینکه خفی الاذان هم شد، وجوب قصر نماز می‌شود.

حالت سوم این است که: اگر خفی الاذان و خفی الجدران باهم باشند، اینجا هم باید گفت احدهما یا کلاهما مؤثر هست.

این تقریر دوم را مرحوم اصفهانی ذکر کرده‌اند.

## جواب تقریر دوم

تقریر دوم جواب داده‌شده:

جواب اوّل: جمله شرطیه ازنظر دلالت لفظی و وضعی، به‌طور مثال وقتی گفته می‌شود: اذا خفی الاذان فقصّر، اینجا چند احتمال وجود دارد:

یک احتمال این است که: این جمله شرطیه می‌گوید؛ جزاء مترتب بر شرط است و مستند به‌شرط است؛ یعنی می‌گوید این خَفِیَ الاذان علّت یا موضوع مؤثر وجوب تقصیر است، در ابتدا این به ذهن می‌آید که: استناد و معلولیت برای جزاء نسبت به‌شرط را افاده می‌کند.

احتمال دوم این است که: دلالت نکند بر علّیت و تأثیر و ترتب، فقط بگوید این دو باهم هستند، وقتی‌که خفی الاذان بیاد، دیگری هم هست، ولو اینکه علیّت و ترتب در کار نباشد، امکان دارد هر دو علّت ثالثه باشد، به‌طور مثال: وقتی روز هست هوا گرم است که این روز بودن و گرمی هر دو معلول طلوع شمس است و ترتب را نمی‌رساند، با نوعی همراهی و تلازم سازگار است، امّا حدوث را می‌رساند.

احتمال سوم این است که: بگوییم جمله شرطیه می‌گوید، اگر این عامل باشد عامل دیگر هم هست، اگر چه اینطور آمده ولی عامل، استمراری و بقایی است، نه حدوثی

به ترکیبات هیأتی کمتر در لغت توجه می‌شود، گاهی به‌عنوان ادواتی که عارض بر این هیأت می‌شود، در لغت آمده و در نَحو هم تکمیل‌شده است، ولی بعضی هیأت‌های جمله‌ها هست که باید دید که برای چه معنایی وضع‌شده‌اند.

### احتمالات وضع جمله شرطیه

ما در اینجا یک بحث هیأتی انجام می‌دهیم، می‌گوییم هیأت جمله شرطیه برای چه وضع‌شده است؟

حداقل چهار احتمال وجود دارد:

احتمال اوّل: این است که بگوییم جمله شرطیه وضع‌شده برای افاده علّیت انحصاری، این احتمال همان احتمال مسلک اوّل که بیانش این بود؛ جمله شرطیه برای مفهوم وضع‌شده، برای اینکه برای علّیت انحصار وضع‌شده است.

احتمال دوم: اینکه بگوییم جمله شرطیه وضع‌شده برای علّیت شرط برای حدوث جزاء، که اگر این احتمال باشد، جمله شرطیه وضع نشده برای مفهوم، امّا می‌شود با اطلاق، مفهوم را به دست آورد.

احتمال سوم: بگوییم جمله شرطیه وضع‌شده برای مشترک بین علیّت و تلازم، وضع‌شده برای تقارن این شرط و جزاء ولی تقارنی که حدوث این شرط، مقارن با حدوث جزاء هست، که اگر این احتمال باشد، اطلاقی که گفتید درست می‌شود، در مثال خَفِیَ الاذان می‌گوید که: اگر عامل اولی آمد این مقارن با حدوث دوم هست، ولو اینکه علیّت و معلولیّت نباشد، امّا مقارن با حدوث دوم هست، پس تأثیر خفای جدران را نفی می‌کند.

احتمال چهارم: می‌گوییم جمله شرطیه فقط این را می‌گوید که هر موقع خفای اذان باشد، وجوب تقصیر هم هست، چه حالت حدوثی داشته باشد، در آنجایی که خفی الجدران عامل نباشد، یا حالت حدوثی نداشته باشد.